

**سَمیرا سجودی**

جِواد اسلامی از فعالان انقلاب اسلامی، فرزند شهید صادق اسلامی و دبیر شورای عالی بسیج تجار و فعالان اقتصادی ایران است. از این روی به نیکی می‌تواند تلاش دشمن را برای باز آفرینی کار یکا توریسک الگوی انقلاب اسلامی در جنگ ترکیبسی امروز تحلیل نماید. وی در گفت‌ووشنود پسی آمده ضمن انجام این مقایسه، شرایط کنونی بازار تهران را نیز گزارش کرده است. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

**در آغاز مناسب است به این نکته اشاره کنید که چگونه با فرآیند مبارزات انقلاب اسلامی آشنا شدید؟**

بنده در خانواده‌های کاملاً مبارزاتی به دنیا امدم. به طوری که پدرم در بدو تولدم، درگیر مبارزات نهضت حضرت امام بودند. شهید حاج صادق اسلامی، از شهدای قاجعه هفت تیر ۱۳۶۰ است. چهار ساله بودم که ایشان به زندان رفتند و در روزهای ملاقات با ایشان در زندان، با چهره‌های شش‌ص و سرشناس نهضت و مبارزات آن آشنا شدم. لازم به توضیح است پدر جزو کسانی بودند که علیه حیات‌های بنی‌صدر اعلامیه دادند که مردم در انتخابات به او رأی ندهند؛ به همین دلیل بنی‌صدر بعداً اجازه نداد تا ایشان وزیر بازرگانی شوند. بنابراین با حکم شهید رجایی، ایشان سرپرست وزارت بازرگانی کابینه‌شان شدند. پدر زمان شهادتشان هم معاون پارلمانی وزارت بازرگانی بودند. به هر حال از سن چهار، پنج سالگی با بحث‌ها و حرکت‌های ضد حکومت پهلوی آشنا شدم، اما در سن ۱۴،۱۳ سالگی و از سال‌های ۵۷–۵۶–که نهضت اسلامی در دوران اویش قرار داشت، فرص و مستمر، پا به پای نهضت و فرمایشات حضرت امام و بخش اعلامیه‌های ایشان پیش می‌امدم و هر کاری از دستم برمی‌آمد انجام می‌دادم. **شما هم چون شهید صادق اسلامی، سابقه دستگیری و زندان دارید؟**

بله. در رابطه با دستگیری شهید اندرز گو، ۱۰ روز از سوی مأموران ساواک بازداشت شدم. با وجود اینکه سنم قانونی نبود و هیچ ارتباطی هم به پرونده نداشتم اما وقتی مأموران به منزل ما آمدند، هرچه مرد در خانه بود را دستگیر کرده و با خود بردند! آن زمان، من ۱۷–۱۶ ساله بودم، ما را به سلول انفرادی انداختند و دسترسی به هیچ چیز نداشتم! در حالی که در آن مقطع رژیم پهلوی، از طرف غوغو بین‌الملل خیلی تحت فشار بود و به ظاهر هم که شده، با زندانیان مدارا می‌کرد.

**انقلاب اسلامی چه ویژگی‌هایی داشت که شما مجذوب آن شدید؟**

به هر حال هر کس در زندگی، چیزهایی برایش ارزشمند و مطلوب است. این موارد زوایای مختلفی دارد و طبعاً شرایط خاصی را در زندگی فرد حاکم می‌کند. آن چیزها برای من مقله دین و گرایش‌های مذهبی، آزادی‌خواهی، نپذیرفتن ظلم و ستم ستمگران براساس آموزه‌های دینی و حرکت امام حسین و حریتی بود که در نهضت حضرت امام معرفی می‌شد. این ارزش‌ها هم کرد امی توانست باعث جذب یک جوان به صحنه مبارزه و نهضت امام خمینی شود و موجب می‌شد رشد فکری و شناختی از جامعه و محیط پیرامونش پیدا کند. مضاف بر اینکه فساد شدید حکومت پهلوی، چه در عرصه‌های اقتصادی، اخلاقی و به ویژه وابستگی به بیگانگان نیز انگیزه دیگری بود که موجب جذب جوانان به نهضت حضرت امام می‌شد.

**چه خاطراتی از راهپیمایی‌های دوران انقلاب اسلامی به یاد دارید؟**

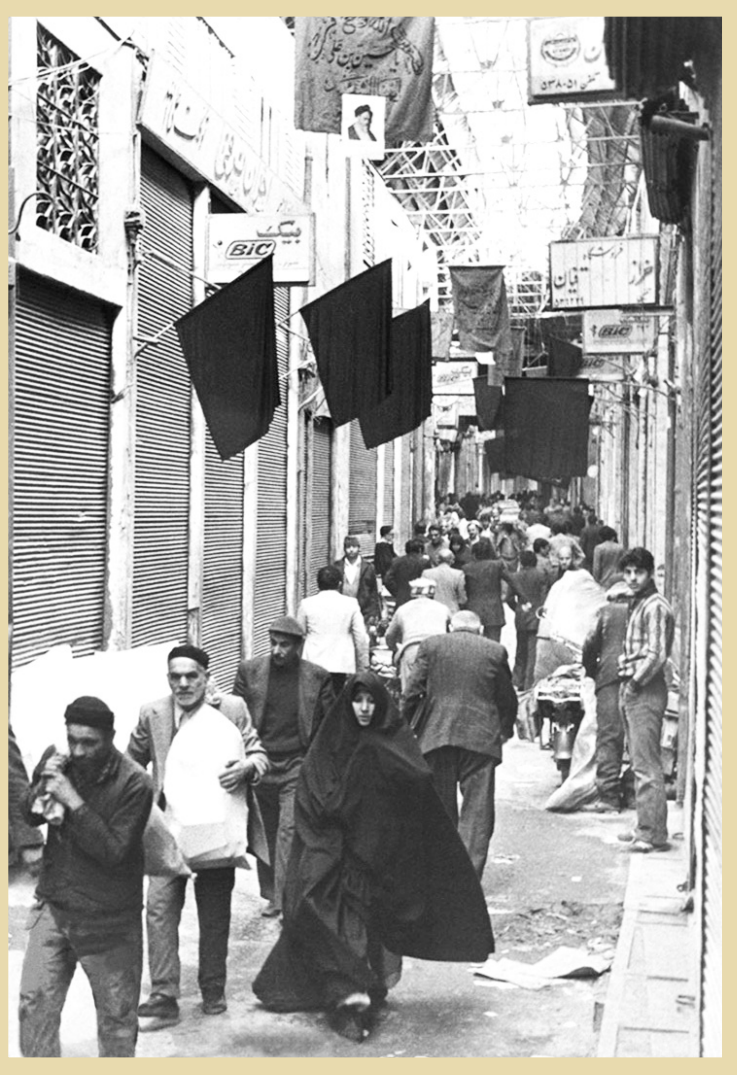
تقریباً در تمام راهپیمایی‌ها و تظاهرات‌هایی که در سال‌های ۱۳۵۷–۱۳۵۶ شکل می‌گرفت، مثل راهپیمایی عید فطر و راهپیمایی‌های بعد از آن که سلسله‌وار بود، با تظاهرات ۱۷ شهریور حضور داشتم. علاوه بر این به دیدار زندانیانی که از زندان‌های رژیم آزاد شده بودند نیز می‌رفتم.

**منشأهدات شما از راهپیمایی عظیم روز هفدهم شهریور ۱۳۵۷ چیست؟**

به خاطر دارم یک روز قبل از هفدهم شهریور، تظاهرات بزرگی انجام شد. آن زمان در پایان هسر راهپیمایی، عده‌ای راهپیمایی بعدی را به مردم اعلام می‌کردند که مثلاً فردا صبح ساعت هشت میدان تلام (نام آن روز این میدان که بعداً تبدیل به شهید شد) ۱۷ شهریور از صبح زود، رژیم اعلام حکومت نظامی کرد و سربازان صبح، صبح، به میدان و خیابان‌های اطراف آمده و روی زمین نشستند. تظاهراتی مسالمت آمیز بود و مردم آمده بودند خواسته‌هایشان را بگویند. منن از طرف مردم، اصلاً خشونت‌ی ندیدم اما ناگهان گاردی‌ها مردم را به رگبار گلوله بستند و جوی خون در خیابان به راه افتاد! آن روز رژیم شهدای زیادی را با کامیون به بهشت زهرا و مکان‌های دیگر برد. علاوه بر این در آن شرایط مردم نیز زخمی‌ها را تحت عنوان اینکه در خانه تیر خورده یا از منطقه دیگری آمده، به بیمارستان‌ها می‌برند که دستگیر نشوند و بتوانند از آنجا فرار کنند.

**حضور مردم در این تظاهرات‌ها خودجوش بود یا به شکل ضد انقلاب امروز، با التماس یا تهدید انجام می‌گرفت؟**

بحث التماس در راهپیمایی‌های آن دوران، مطلقاً وجود نداشت. البته در آن دوره اشخاص فعالی بودند که با مسئولان امر صحبت می‌کردند و مجوزهای لازم را می‌گرفتند. مثل مجوز برایی نماز عیدفطر در تپه‌های قیطریه که بعداً تبدیل به بهشت شد. در خیابان به تظاهرات پرداختند. این حضور مردم با توجه به وجود جو خفقان آن روزگار بود که پدر هم به پسر اعتماد نمی‌کرد و از این جنبه، خیلی عجیب و قابل تأمل بود. آنچه امروز شاهدش هستیم کمی ضعیف و بدلی از آن انقلاب بزرگ است. واقعاً امروزه بحث رغبت مردم برای شرکت در اعتصابات و راهپیمایی‌ها، ایداً قابل قیاس با آن زمان نیست. امروز عده‌ای در بازار راه می‌افتند و با فریاد؛ بیند پی‌بنیدید و الا مغازه‌تان را



«تلاش برای باز آفرینی کاریکاتوریک الگوی انقلاب اسلامی، در جنگ ترکیبی» در گفت‌وشنود با جواد اسلامی

# بازار در دوران نهضت با تهدید و تطمیع تعطیل نمی‌شد

آتش می‌زنیم، قصد ترساندن کسبه و تعطیلی بازار دارند! اصلاً آن زمان فراخوان اعتصاب بازار، به این شکل مطرح نمی‌شد. یا امروز به قصد ناشدین که خیابان می‌آیند، مثل همان جنایاتی که سر آن جوان در شهرک اکیاتان آوردند. درحالی‌که در انقلاب اسلامی، اصلاً چنین حرکاتی معنا نداشت. یادم است آن زمان، عوامل رژیم به قصد خرابکاری، مکان‌هایی را آتش زدند اما مردمی که برای راهپیمایی به خیابان آمده بودند و هر لحظه امکان دستگیری شان بود، از خانه همسایه‌ها آب آورده و آتش را خاموش کردند تا کسی آسیب نرشد. در نظر داشته باشید که آن زمان خفقان رژیم به قدری بود که مردم با علم به اینکه امکان دارد به شهادت برسند، به خیابان می‌امند. درست عکس این‌کبی برداری مضحکی که امروزه دشمن می‌خواهد باربختن کسب در قفل‌های مغازه‌ها، مکان‌های کسب را تعطیل کنند و با این ترفندها جمعیت را به خیابان بیاورد. کسانی که امروز در خیابان‌ها دستگیری می‌شوند، بلافاصله می‌گویند ما اشتباه کردیم! یا مثل ضاربان شهید عجمیان می‌گویند اصلاً نمی‌دانستیم از کجا سنگ در دست ما گذاشتند، از مردم عذرخواهی می‌کنیم. طرف آدم کشته، بعد می‌گوید از مردم عذرخواهی می‌کنم! مگر با عذرخواهی تو، آن فردی که کشته شده، زنده می‌شود؟ وانگهی مردمی‌که در دوران انقلاب در تظاهرات آرام و بدون خشونت شرکت می‌کردند، با کوچک‌ترین خطر یا دستگیری نمی‌گفتند اشتباه کردیم و نفهمیدیم چه کار کردیم!

**از قضا امروزه عده‌ای معتقدند بر خلاف شاه که اصلاً قصد کشتار مردم را نداشت، مأموران جمهوری اسلامی مردم را مورد خشونت قرار می‌دهند! این ادعا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

البته دروغ گفتن کنتور ندارد، اما اسناد تاریخی هم چنین چیزی را بیسان نمی‌کند. حتی اسناد

امروز متولیان آشوب می‌گویند

**اگر مغازه‌تان را نبندید، آن را آتش می‌زنیم! یا با اسلحه به کامیون‌های مردم تیراندازی می‌کنند و می‌گویند نباید در جاده حمل و نقل کنید!** البته این نوع رفتار کردن مانند یک فنر عمل خواهد کرد. امکان دارد مردم چند لحظه مغازه خود را باز نکنند یا با کامیون خود در جاده تردد نداشته باشند، اما به محض اینکه این فشار برداشته شود، دو، سه برابر تحرک خواهند داشت!

**مردم ما، مردم صبوری هستند ولی اگر کار به جایی برسد که آنها احساس کنند این مزدوران بیگانه با ایشان را از گلیم خود دراز تر کرده‌اند، خود مردم ادبشان می‌کنند. آنها نمی‌گذارند کار به آنجا برسد که اینها بتوانند کار بیشتری کنند. منتها الان صبرشان زیاد است و تحمل می‌کنند، چراکه می‌خواهند ببینند نیروهای رسمی حکومت تا چه حد پای کار هستند. کسبه معتقدند نظام باید جلوی این‌نوع اقدامات را بگیرد**

۱۳۵۷. تعطیلی بازار تهران، در دوره روح‌خو انقلاب اسلامی



**مردم ما، مردم صبوری هستند ولی اگر کار به جایی برسد که آنها احساس کنند این مزدوران بیگانه با ایشان را از گلیم خود دراز تر کرده‌اند، خود مردم ادبشان می‌کنند. آنها نمی‌گذارند کار به آنجا برسد که اینها بتوانند کار بیشتری کنند. منتها الان صبرشان زیاد است و تحمل می‌کنند، چراکه می‌خواهند ببینند نیروهای رسمی حکومت تا چه حد پای کار هستند. کسبه معتقدند نظام باید جلوی این‌نوع اقدامات را بگیرد**

خدایی نکرده اگر روزی این گروه‌ک دستش به جایی بند شود، به هیچ‌کس رحم نمی‌کند! اینها حتی در خانه‌های تیمی هم به نیروهای خودشان رحم نمی‌کردند! می‌دانید اصلاً چرا نام دانشگاه شریف را شریف گذاشتند؟ چون مجید شریف واقفی که یکی از دانشجویان این دانشگاه و از اعضای سابق این تفکر بود، تفکرات جدیدی مناقفین را نپذیرفت و به همین خاطر کشته شد. بنابراین اگر روزی این گروه‌ک بتواند حاکمیت را به‌دست بگیرد، همین تفکر دیکتاتورماپانه و خشن را اجرا خواهد کرد. متفکر نسل جوان این است که سابقه اینها را نمی‌داند.

**با وجود خفقان موجود در زمان شاه، چه چیزی موجب می‌شد مردم خودجوش و جان بر کف، به خیابان‌ها بیایند و در راهپیمایی‌ها شرکت کنند؟**

اصلاً حرکت مردم در این دو مقطع تاریخی، با هم قابل قیاس نیست و هیچ وجه اشتراکی با هم ندارد. امثال بنده در آن زمان، شرکت در تظاهرات را برای خود، تکلیفی الهی می‌دانستیم. چه رژیم ما را بکشد و چه انقلابمان پیروز شود، در هر دو صورت ما خود را پیروز می‌دیدیم. چون اعتقاد داشتیم وظیفه‌مان را انجام می‌دهیم، با این نگاه وقتی به صحنه می‌امدیم، نه نگران کشته شدن بودیم و نه نگران اینکه بعد توسط ساواک شناسایی شویم. کسانی که الان به خیابان می‌آیند، مزدورند و چون مزدور هستند، برای منافع مصادی به صحنه آمده‌اند نه برای عقیده یا فرهنگ. بنابراین صبح که از طرف ارباب‌هایشان جیره‌شان قطع شود، با ببینند کارشان به نتیجه نمی‌رسد، به خانه می‌روند! اما آن زمان سا از زندگی و همه هستی‌مان می‌گذشتیم و به خیابان می‌امدیم که نهضت یک قدم جلو برود. به عنوان مثال در سال ۱۳۵۶ که برای مرحوم حاج‌آقا مصطفی خمینی مراسم بزرگداشتی گرفتند، پدرم در حرم حضرت عبدالعظیم(ع) در حق حضرت امام دعایی کرد که همه احتمال دادند مأموران او را دستگیر خواهند کرد. به همین دلیل پدرم برای حضور مجدد و فعال، با لباس مسبدل از مجلس خارج شد! می‌خواهم بگویم ما چون به راه‌مان اعتقاد داشتیم، هر روز یک گام بیشتر برمی‌داشتم اما جماعت امروز، صبح بیت‌کوبن شان قطع شود و پول به دستشان نرسد، بی‌خیال جریان می‌شوند! چراکه عقبه و تفکری پشت حرکشان نیست و یک مشت مزدور بی‌هویت و جیره‌خوار هستند. اگر امروز پول به دستشان نرسد، عریده می‌کشند، ولی فردا که پولی نبود، دنبال زندگی خود می‌روند! صبح بتوانند موبایل می‌قاپند و اگر توانستند برای پول بیشتر، کسی را با چاقو می‌کشند! این نوع رفتار خیلی تفاوت دارد با

رژیم اعلام کرد، نیرویی در ارتش نمانده است! چرا؟ چون این نیرو با مردم بود و مردم هم به آنها گل هدیه می‌دادند، در حالی که هنوز ساختار ارتش سرا پا بود و وجود داشت، ولی بسیجیان ما از نوادگان همان مردم گل بده در آن دوران هستند. آیا امروز این تظاهرات کنندگان بدلی، تا بگویند کسی بسیجی است، با همان لطافت و مهربانی با او برخورد می‌کنند؟ این نوع برخورد برای الان هم نیست، منتها نسل جدید از این مسئله خبر ندارد. اولین سال‌های برقراری نظام و سال‌های ۶۱– ۶۰ که ببینید که منافقین با گروه‌ک‌ها در کردستان چو جنایاتی کردند؟ چرا خلق کرد علیه نیروهای به قول خودشان آزادی بخش کردستان قیام کردند؟ چون وحشی‌گری و خشونت آن گروه‌ک رادیده بودند. الان هم این تظاهرات کنندگان قلابی که به عنوان مردم به میدان آمده‌اند، مسلح هستند و با چاقو وقمه نیروهای حافظ امنیت را می‌زنند. شما کدام نیروی نظامی ساده زمان شاه را سراغ دارید که مردم با آنها این طوبر برخورد کرده باشند؟ الا معدود افراد ساواکی که آن هم در آخرین روزهای انقلاب رخ داد. در آن دوران، هیچ حرکت خشونت آمیزی از سوی بدنه مردم انقلابی نمی‌دیدید. به همین دلیل هم منافقین می‌گفتند حرس انقلاب از حرکت چریکی و خشونت و سلاح می‌گذرد و آقای خمینی با این رفتارش مردم را تغییر داده است. یادم است در سال ۱۳۵۶ که با هواداران و سسمیات‌های منافقین بحث سیاسی می‌کردیم، منافقین تأکید بسیار داشتند حرکت تغییر حکومت شاه فقط و فقط باید مسلحانه باشد! الان هم با همین روحیه به صحنه آمده‌اند و دنبال این نیستند که حرف بزنند! منطقی‌ای را به گوش مردم برسانند. اینها می‌خواهند با زور سلاح و با دیکتاتوری چاقو و قمه مردم را سرکوب کرده و اادار به سکوت کنند تا بتوانند حاکمیت داشته باشند. یقین بدانید

**تفاوت اعتصابات اجباری که امروزه ضد انقلاب سعی دارد تا به راه بیندازد، با اعتصابات گسترده آن زمان چه بود؟**

چیزی که تفکر، اعتقاد، برنامه‌ریزی، آینده نگرى و مرجع تقلیدی همچون حضرت امام را همراه خود داشت. مرجعی که چیزی برای خود نمی‌خواست، خیلی تفاوت دارد با جریان امروز که همه خود را رهبر می‌دانند و هیچ کدامشان هم آن شجاعت و جرئت را ندارند. کسی سبب سیاهی است، با همان لطافت و مهربانی با او برخورد می‌کنند؟ این نوع برخورد برای الان هم نیست، منتها نسل جدید از این مسئله خبر ندارد. اولین سال‌های برقراری نظام و سال‌های ۶۱– ۶۰ که ببینید که منافقین با گروه‌ک‌ها در کردستان چو جنایاتی کردند؟ چرا خلق کرد علیه نیروهای به قول خودشان آزادی بخش کردستان قیام کردند؟ چون وحشی‌گری و خشونت آن گروه‌ک رادیده بودند. الان هم این تظاهرات کنندگان قلابی که به عنوان مردم به میدان آمده‌اند، مسلح هستند و با چاقو وقمه نیروهای حافظ امنیت را می‌زنند. شما کدام نیروی نظامی ساده زمان شاه را سراغ دارید که مردم با آنها این طوبر برخورد کرده باشند؟ الا معدود افراد ساواکی که آن هم در آخرین روزهای انقلاب رخ داد. در آن دوران، هیچ حرکت خشونت آمیزی از سوی بدنه مردم انقلابی نمی‌دیدید. به همین دلیل هم منافقین می‌گفتند حرس انقلاب از حرکت چریکی و خشونت و سلاح می‌گذرد و آقای خمینی با این رفتارش مردم را تغییر داده است. یادم است در سال ۱۳۵۶ که با هواداران و سسمیات‌های منافقین بحث سیاسی می‌کردیم، منافقین تأکید بسیار داشتند حرکت تغییر حکومت شاه فقط و فقط باید مسلحانه باشد! الان هم با همین روحیه به صحنه آمده‌اند و دنبال این نیستند که حرف بزنند! منطقی‌ای را به گوش مردم برسانند. اینها می‌خواهند با زور سلاح و با دیکتاتوری چاقو و قمه مردم را سرکوب کرده و اادار به سکوت کنند تا بتوانند حاکمیت داشته باشند. یقین بدانید

وارد آن مقطع خود و معیشت مردم را جبران کنند. به همین دلیل است که می‌گویم نمی‌شود این حرکت‌ها را کنار هم قرار داد. البته ما از این نوع رفتارها و جریان‌های زیاد،خواه در کشورمان زیاد دیده‌ایم. این جریان زیاد،خواه که عمدتاً از گروه‌ک منافقین تشکیل می‌شد، ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی هم در اکثر شهرهای کشور به راه افتاد و ترورهای وحشتناکی را انجام داد، به‌طوری‌که ما ۱۷هزار شهید ترور از آن دوران داریم. به عنوان مثال در آن دوره، فقط در خیابان شهرودی، روزی چهار، پنج نفر به شهادت می‌رسیدند. در خیابان ناصر خسرو هم بگمداری‌های بسیاری انجام می‌شد. از آن گروه‌ک‌ها هم که در آن مقطع تلفن همراه وجود نداشت، صبح که از خانه بیرون می‌رفتم، هیچ یک از اعضای خانواده تا زمان بازگشتمان خبر نداشت که آیا ما تکه تکه شدیم یا سالم به منزل می‌گردیم! بنابراین معتقدم رفتارهای امروز،

حرکت‌های ایدئالی است و مدت زمان مشخصی دارد و نهایتاً تاریخش به سر می‌رسد. دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. چون فاقد عقبه مردمی و اجتماعی است.

**در آن دوره کسبه بازار، خود خواسته اعتصاب می‌کردند یا به زور و تطمیع به تعطیلی کسب خود دلالت می‌شدند؟**

در آن دوران، اعلامیه‌های حضرت امام خیلی روشن‌گر بود. حضرت امام هدایتی قوی داشتند و همین امر هم موتور محرک انقلاب از جمله اعتصابات بود. مثلاً یکی از حرکت‌ها که بر اساس رهنمودهای حضرت امام انجام گرفت، پس از آن بود که پرسنل شرکت نفت، صادرات را قطع کردند. بعد هم کسبه بازار مغازه‌هایشان را بستند. اعتصابات هم اینطور نبود که در ساعتی مهاجمان با ایجاد ارعاب بازار را به اغتشاش بکشاند و بعد از رفتنشان، مغازه‌ها دوباره باز شود! من در این باره به مغازه‌دارها هیچ ایرادی نمی‌گیرم، چون مثلاً اگر به امسال یک طلا فروشی تعرض شود، خسارت آن جبران‌پذیر نیست. در آن دوران حکومت شاه سعی می‌کرد تا مغازه‌هایی را که بسته‌اند، به زور باز کند، یا در شکل شهادی‌تر آن مغازه‌هایی را که به اعتراض بسته بودند ترمیمی می‌کرد و مغازه‌دار دیگر حق باز کردن آن را نداشت! مهم اینجاست که با این حال، کسی نگران این مسئله نبود که ساواک در مغازه‌ها را تریقه کند، چون حرکت مردمی بود و جنگ و دندان نظام، نمی‌توانست به این بدنه عظیم صدمه شدیدی وارد کند. جریان آن روز، جریان گسترده مردمی بود و به همین دلیل به تهدیدها و خسارت‌ها اعتنایی نداشت.

**آیا امروز در بازار، کسانی که با اغتشاشگران همراه می‌شوند، خودخواسته این کار را انجام می‌دهند، یا همگان از ترس و تهدید کسب خود را تعطیل می‌کنند؟**

شغل آزاد ویژگی‌اش این است که تقریباً هر کس از هر جا رانده می‌شود، سراغ آن می‌آید. حتی پس از پیروزی انقلاب، ۹۰ درصد افراد خارجی ساواک، به طرف شغل آزاد آمدند. می‌خواهم بگویم تصور نکنید که همه کسبه، پسر امام زمان(عج) هستند! اما معتمد غالباً و اکثریت آنان مانند فضای کلی جامعه کسانی هستند که اصول مذهبی و ساختارهای اصلی نظام را قبول دارند. البته ناگفته نماند همانطور که بسیاری از عوامل نفوذی در طرف دشمن در ساختارهای اداری و مدیریت میانی کشور حضور یافتند و تا آنجایی که بتوانند می‌خواهند چوب لای چرخ نظام بگذارند، در بازار هم چنین است و از این دست افراد پیدا می‌شوند. برای آنکه مردم را به طریقی نارضی کنند و آنها را به همراهی با ضدانقلاب بکشاند. طبیعتاً عده‌ای هم از حرکت‌های مدیریت میانی کشور نراضی هستند. اما این نارضایتی به منزله این نیست که با ساختار کلی نظام مخالفت داشته باشند.

مدیران میانی گاهی و به خصوص در دوره بحران، تصمیمات نادرستی می‌گیرند. مثلاً در همین جریانات اخیر شما می‌بینید که یکدفعه مرغ منجمد گران شود، مرغ گرم هم است و سئوال می‌کنید برای چه گران شد؟ می‌گویند چون مرغ گرم کمتر فروش می‌رود!ها هر قفل سلیم و اقتصادی می‌داند به محض اینکه مرغ منجمد گران شود، مرغ گرم هم از قبل گران تر می‌شود. یعنی یک حرکت نفوذی در ساختار وجود دارد که در دورانی که مردم از سوی عوامل دشمن در فشار هستند، یک حرکت ایدایی هم می‌زند. مردم می‌دانند که اگر چارچوب این نظام به هم بخورد، آنهاپی که ۴۰ سال دستشان از سفره نفت و ثروت‌های طبیعی ایران کوتاه بوده دیده‌اند، لطمه‌ای ملت را آرام نمی‌گذراند. اتفاقاً همین ابوابش حقوق بگیر که امروزه این کارها را انجام می‌دهند، اول کسانی هستند که سبلی محکم دشمن را بخورند! چون موضوعیت آنها برای دشمن تا زمانی است که بتوانند برای آنها کاری انجام دهند.

**آیا اعتصاب اجباری در شرایط کنونی، راه به جایی می‌برد؟**

بعید می‌دانم. به دلیل اینکه مردم ما، مردم صبوری هستند ولی اگر کار به جایی برسد که آنها احساس کنند این مزدورهای بیگانه دارند یایشان را از گلیم خود دراز تر می‌کنند، خود مردم ادبشان می‌کنند. مردم نمی‌گذارند کار به آنجا برسد که اینها بتوانند کار بیشتری کنند. منتها الان یک مقدار صبرشان زیاد است و تحمل می‌کنند، چراکه می‌خواهند ببینند نیروهای رسمی حکومت تا چه حد پای کار هستند. کسبه معتقدند نظام باید جلوی این نوع اقدامات را بگیرد و امنیت را برایشان تأمین کند. به همین دلیل هم نمی‌خواهند خودسرانه عمل کنند و منتظر اقدام دستگاه‌های قانونی هستند.